

علیه‌واکلبی‌اتابه حال شده در جاده‌ای مه‌آلود و تاریک، رانندگی کنید؟ آن لحظه‌ای که نور چراغ‌های ماشین فقط چند متر جلوتر را روشن می‌کند، دل آدم می‌لرزد. اما کافی است بدانید در انتهای این مسیر، شهری پر از نور و رفیقانی مهربان در انتظار شما هستند؛ آن وقت است که سختی راه را به جان می‌خرید و با امید حرکت می‌کنید. حکایت امروز ما، حکایت همان جاده مه‌آلود است و آیه ۵۵ سوره نور، همان چراغی است که انتهای درخشان مسیر را به ما نشان می‌دهد. خداوند در این آیه با صراحتی بی‌نظیر می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...» این یعنی قرار نیست دنیا در جنگال ستم و بی‌عدالتی تمام شود. در تفاسیر بزرگان، تبیین شده است که این وعده، یک دلخوشی ساده نیست، بلکه یک سنت قطعی الهی است؛ خلافت در زمین، حق مسلم کسانی است که ایمانشان را با اجر عمل صالح، بالا برده‌اند.

درواقع، انتظار در مکتب قرآن، نه یک گوشه‌نشینی منفعلانه، بلکه یک جریان لبریز از سازندگی است. ما منتظر نیستیم که فقط کسی بیاید و کارها را درست کند، ما تلاش می‌کنیم لایق حضور در جهانی باشیم که قرار است عدالت در آن حاکم باشد.

این آیه به ما یادآوری می‌کند که تاریخ به سوی بن بست نمی‌رود. برخلاف نظریه‌های مادی که آینده را تاریک و تلخ می‌بینند، قرآن، کتاب جامع امید است. در تفاسیر معتبر آمده است که این استقرار دین و امنیت فراگیر، پادشاه کسانی است که در دوران غیبت، دست از جهاد، اصلاح نفس و جامعه و استقامت در راه حق برنداشته‌اند. چه زیبا این جست‌وجوی پویا در قالب شعر توصیف شده است:

گفتند یافت می‌نشود جسته‌ایم ما

گفت آن‌که یافت می‌شود، آنم از روست

این جست‌وجو، همان حرکت به سمت تمدنی است که خدا وعده‌اش را به مؤمنان واقعی داده است.

روایتی از مردانگی در روزگار بی‌پولی

علیه‌واکلبی‌اتابه گاهی از سختی‌ها و موارات‌های زندگی خسته می‌شوم؛ به خصوص با این اوضاع اقتصادی این روزها. حس می‌کنم بریده‌ام. «در این وانفسای گرانی و فشار اقتصادی، حرف دلت را خوب می‌فهمم. اینکه می‌گویی «بریده‌ام»، نشانه رنجی است که تا همین جا هم از سر مردانگی و غیرت کشیده‌ای. اما بیا یک لحظه، صاف و ساده با هم حرف بزنیم؛ نه از سر نصیحت، بلکه از سر همدلی و تجربه.

اولین کلام این است؛ خستگی تو نشانه ضعف نیست، نشانه زنده بودن غیرت و مسئولیت‌پذیری‌ات است. کسی که برای سفره خانواده‌اش دلواپس است، زیر بار امانت الهی رفته است. خداوند در قرآن کریم، وعده داده است: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ؛ هرکه بر روی خدا داشته باشد، خدا از جایی که گمان نمی‌برد، روزی‌اش را می‌رساند و برایش راه بیرون شدن از سختی را قرار می‌دهد.» این آیه را بخوانم که سرت را گرم کنم؛ این منطق قرآن است، راه فرج، در دل سختی توأم با تقوا، پنهان است. اما «رزق»، فقط پول نیست، وجود آرامش در خانه، لبخند زن و بچه، محبتی که با کمترین هزینه، می‌توانی به همسرت هدیه بدی، همه این‌ها ارزاق فرموده شده‌ای است که در روزگار سخت، قدرشان را بیشتر می‌فهمی. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «الْفَقْرُ سَوَاءٌ الْوَجْهَ فِي الدَّارَيْنِ؛ فقر، روسپایی دنیا و آخرت است.» این نشان می‌دهد که دین، فقر را ستایش نکرده است و نشان می‌دهد که در دغدغه تو، دغدغه‌ای مقدس است. اما در ادامه همان حدیث، نگاه کن که از امام صادق (ع) پرسیدند پس چرا برخی مفریان الهی، فقیرند؟ فرمودند: «آن‌ها نه از روی ذلت و ناچاری، که از سراختن فقر را برگزیدند.» تفاوت اینجاست؛ ما فقیر ناخواسته‌ایم که داریم می‌جنگیم و این جنگیدنمان، خودش جهادی مقدس است.

حالا راهکار عملیاتی چیست؟ اولویت اول، تجدیدقوا در خانه است. با همسرت حرف بزن. از او مشورت بخواه. بگذار این حس را از تو تریافت کند. این رفتارها غم را بین دو نفر تقسیم می‌کند. این یعنی ترجمه عملی آیه «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم/۲۱). دوم، دو رکعت نماز شب یا حتی یک نماز قضای ساده، ریسمانی است که تو را از قعر چاه ناامیدی بالا می‌کشد. خدا به حضرت موسی (ع) فرمود: «چون سائل ذلیل، در خانه من بیا!»

فردوسی؛ آئینه فرهنگ ایرانی و اسلامی

محمدجواد علیپورا قرآن کریم در آیه مودت می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» یعنی پیامبر اسلام (ص) هیچ پاداشی برای رسالت خود جز دوستی با نزدیکانش نمی‌خواهد. این آیه نشان می‌دهد که محبت اهل بیت (ع)، تنها یک احساس عاطفی نیست، بلکه راهی برای استمرار هدایت نبوی و شناخت درست دین است. در روایات نیز بر این حقیقت بسیار تأکید شده است؛ در سال‌های اخیر، گاهی تلاش شده است چهره‌های تأثیرگذار ادبیات فارسی همچون حکیم عالی‌قدر، ابوالقاسم فردوسی را با این معارف عمیق و بلند، بیگانه نشان دهند و او را به نفع اهداف خود مصادره کنند. درحالی‌که او خود این‌گونه نبوده است.

در آستانه روز بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی، نام شاعری را گرامی می‌داریم که نه تنها پادشاه زبان فارسی، بلکه پاسبان هویت و فرهنگ ایران زمین است. شاهنامه سترگ او که حاصل بیش از سه دهه رنج و تلاش است، زبان فارسی را از گزند فراموشی و فرسایش رها نماند و به آن حیاتی دوباره بخشید. با این همه، در کنار عظمت ادبی و ملی، جلوه دیگری از شخصیت فردوسی نیز درخورد توجه است و آن، ارادت و عشق او به دین مبین اسلام و اهل بیت پیامبر (ص) است.

فردوسی در دیباچه شاهنامه پس از ستایش خداوند یکتا و پیامبر اکرم (ص)، با صراحت و اخلاص از جایگاه والای امیرالمؤمنین علی (ع) یاد می‌کند. در ادامه، با ارادتی آشکار به حضرت علی (ع) اشاره می‌کند و می‌گوید: اگر چشم داری به دیگر سرای، نه نزد نبی و علی گیر جای

این بیت به روشنی نشان می‌دهد که فردوسی، رستگاری اخروی را در پیوند با پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) می‌داند. در جای دیگری، نیز با تعبیراتی ستایش‌آمیز از آن حضرت یاد می‌کند:

منم بنده اهل بیت نبی
بیانگر هویت دینی شاعر و دل‌بستگی عمیق او به خاندان پیامبر (ص) است. فردوسی در روزگاری می‌زیست که ایران پس از اسلام در حال بازسازی هویت فرهنگی خویش بود. او با درآمیختن حماسه ملی و باورهای اسلامی، نشان داد که ایرانی بودن و اسلامیت نه تنها در تعارض نیستند، بلکه می‌توانند در کنار هم، هویتی استوار و بالنده بیافرینند. شاهنامه اگرچه روایتگر داستان‌های اساطیری و تاریخی ایران باستان است، روح توحید، عدالت‌خواهی و اخلاق اسلامی در تار و پود آن جریان دارد. تأکید بر دادگری، نکوشش پیداد، ستایش خرد و دعوت به پاکی و راستی، همگی آموزه‌هایی است که با تعالیم اسلامی هم‌سوایی دارد.

آزمونی به بلندای تاریخ



پنجشنبه‌های انتظار

گزارش

سماحه رضوانی | حضرت مهدی (عج) درست مثل خورشیدی پشت ابر، نور و گرمای وجودش به ما می‌رسد، اما خودش پنهان است. این پنهان شدن، یک تصمیم بی‌حکمت نیست. در منابع معتبر روایی، حکمت‌هایی برای غیبت ولی عصر (عج) ذکر شده است که شاید هیچ‌کدام به تنهایی علت اصلی نباشد، اما هرکدام نوری بر این راز الهی می‌افکنند؛ حکمت‌هایی که نشان می‌دهد این غیبت، بی‌جهت و بی‌مقصد نیست.

آزمایش الهی برای تشخیص مؤمن راستین

یکی از سنت‌های ثابت الهی از ابتدای خلقت، سنت آزمایش بوده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ایا مردم گمان می‌کنند همین که بگویند ایمان آوردیم، رهای می‌شوند و دیگر آزمایش نمی‌شوند؟ ما کسانی را که پیش از آنان بودند، آزمایش کردیم تا خداوند، راستگويان و دروغگويان را مشخص کند.» (عنکبوت/۲). غیبت امام زمان (عج) نیز یکی از آزمایش‌های سخت الهی است. امام صادق (ع) در توصیف این دوران می‌فرمایند: «قائم ما غیبتی طولانی خواهد داشت. در آن زمان، اهل ایمان امتحان می‌شوند و به واسطه طول غیبت، شک و تردید در دلشان پدید می‌آید و بسیاری از دین خود برمی‌گردند.» این آزمون، مؤمنان واقعی را از مدعیان جدا می‌کند. کسی که در نبود حضرت حجت (عج) بر اعتقادش ثابت بماند و دست از دین بردارد، نشان داده است که ایمانش قلبی است، نه سطحی و وابسته به دیدن.

حفظ جان امام (عج) از کشته شدن

امامان معصوم (ع) همه به شهادت رسیدند، اما سرنوشت امام زمان (عج) متفاوت است. ایشان قرار است قیام جهانی کنند و عدالت را در سراسر زمین بگسترانند. دقیقاً به همین دلیل، دشمنان از همان ابتدا دنبال به شهادت رساندن ایشان بودند. در روایات متعدد نیز یکی از دلایل غیبت امام زمان (عج)، حفظ جان ایشان بیان شده است. امام صادق (ع) فرمودند: «امام منتظر پیش از قیام خود، مدتی از نظرها غایب خواهد شد.» از ایشان پرسیدند: «علت غیبت امام مهدی (عج) چیست؟» فرمودند: «چون بر جان خود بیمناک است.» این ترس، ترس شخصی نیست، بلکه حفظ ذخیره الهی برای آن روز موعود است. برخلاف امامان دیگر که پس از هرکدام، امام بعدی جایگزین می‌شد، حضرت مهدی (عج) آخرین ذخیره خداست و اگر کشته شود، جایگزینی ندارد. غیبت، راهکاری الهی برای نگهداری این سرمایه بزرگ تا روز موعود بوده است.

بیعت نکردن با هیچ حاکم ظالم

در طول تاریخ، هرکدام از امامان ماناچار بودند با حاکمان جور زمان خود کنار بیایند و در تقیه به سر ببرند. اما سرنوشت امام زمان (عج) با بقیه فرق می‌کند. ایشان مأمور به قیام است. در توقیعی از ناحیه مقدسه آمده است: «هیچ کدام از پدران من نبودند مگر اینکه بیعت حاکم ستمگر زمان خود بر گردنشان بود، اما من زمانی که قیام می‌کنم، بیعت هیچ ستمگری بر گردنم نیست.» اگر حضرت در زمان غیبت، زیر سایه حکومت‌های ظالم زندگی می‌کردند و شناخته می‌شدند، ناچار بودند تقیه کنند. اما غیبت، این امکان را فراهم کرد که ایشان در تاریخ ثبت شوند به عنوان کسی که هرگز با ظلم کنار نیامدند و بیعت هیچ طاغوتی را بر گردن نگرفتند.

آماده شدن تدریجی مردم برای پذیرش حکومت جهانی

تشکیل یک حکومت جهانی عادلانه، کار ساده‌ای نیست. مردم کره زمین باید به درجه‌ای از رشد فکری و اخلاقی برسند که بتوانند چنین نظامی را بپذیرند و از آن حمایت کنند. این اتفاق یک شبه نمی‌افتد. خداوند از طریق غیبت، فرصت می‌دهد تا بشر به تدریج از حکومت‌های ظالم، ناامید و تشنه عدالت واقعی شود. روش امام زمان (عج) در رهبری جهان، بر مبنای حقایق و بدون تقیه است. این روش، نیازمند تکامل علوم و رشد فکری و اخلاقی بشر است تا قابلیت پذیرش حکومت واحد جهانی را پیدا کند. غیبت، دوره آماده‌سازی است؛ دوره‌ای که در آن، انسان‌ها با تجربه ظلم و ستم، آماده می‌شوند تا روزی فریاد عدالت‌خواهی سر بدهند.

سزای از اسرار الهی

شاید برایتان پیش آمده باشد که در مورد حکمت کاری، سال‌ها حیران بمانید و بعدا بفهمید چقدر آن کار درست بوده است. ماجرای حضرت موسی (ع) با حضرت خضر (ع) در قرآن، نمونه بارز این موضوع است؛ موسی (ع) نتوانست حکمت سوراخ کردن کشتی، کشتن آن نوجوان و تعمیر دیوار را بفهمد تا وقتی که زمان جدایی رسید و حضرت خضر، راز هر کار را برایش توضیح داد. امام صادق (ع) درباره غیبت می‌فرمایند: «حکمت غیبت قائم، پس از ظهور او آشکار می‌شود، همان‌طور که حکمت کارهای حضرت خضر برای حضرت موسی در لحظه وداع، روشن شد.» بنابراین یکی از حکمت‌های غیبت، این است که خودش یک «راز الهی» است؛ رازی که فعلا ظریف‌ت درکش را نداریم و روزی همه چیز بر ایمان روشن خواهد شد.

شناخت امام زمان (عج) از منظر زیارت آل یاسین

استمرار همان دعوت توحیدی است. سلام دادن به امام با عنوان «آل یاسین»، یعنی دیدن او در متن نقشه بزرگ هدایت؛ نقشه‌ای که از پیامبران آغاز شده و در حجت الهی هر عصر ادامه یافته است. از همین رو انتظار، ریشه در متن قرآن و سنت الهی دارد.

«بقیه‌الله»، نشانه ماندگار رحمت الهی

یکی از تعبیرهای زیارت آل یاسین، «السلام علیک یا بقیه‌الله فی ارضه» است. «بقیه» در لغت به معنای آن چیزی است که از میان رفتن‌ها و کاستی‌ها باقی می‌ماند و چون به خداوند اضافه شود، شرافت و عمقی ویژه پیدا می‌کند. امام زمان (عج) «بقیه‌الله» است؛ یعنی آن ذخیره باقی‌مانده الهی که حضورش نشانه تداوم رحمت و هدایت خداوند در زمین است. در جهانی که ظلم، غفلت و بی‌عدالتی فراوان است، این عنوان به مؤمن یادآوری می‌کند که رشته پیوند زمین با آسمان، هرگز گسسته نشده است. «بقیه‌الله» بودن امام فقط یک لقب نیست، بلکه پیامی آرام‌بخش برای انسان مضطرب امروز است. انسان منتظر با این نگاه، نه دچار یأس می‌شود و نه انتظار را به تعویق آینده واگذار می‌کند، بلکه در پرتو حضور این ذخیره الهی، امروز خود را نیز معنادار می‌بیند.

«حجه‌الله»، حضوری که عذر را از انسان می‌گیرد

در زیارت آل یاسین، امام با عنوان «حجت خدا» نیز شناخته می‌شود. «حجت» به معنای دلیل روشن و قاطع است؛ چیزی که راه‌رانشان می‌دهد و پهنانه را از انسان می‌گیرد. در معارف اسلامی، خداوند برای هدایت بشر هم، حجت درونی قرار داده است؛ یعنی عقل و هم حجت بیرونی، یعنی پیامبران و امامان. وقتی امام عصر (عج) حجت خدا خوانده می‌شود، معنایش این است که وجود او معیار است، معیاری برای تشخیص حق از باطل و راه از بیراهه. این تعبیر، افزون بر بیان مقام امام، مسئولیت انسان را نیز روشن می‌کند. اگر حجت خدا در زمین حاضر است، زندگی مؤمن مضطرب امروز است. انسان منتظر با این نگاه، کسی که باید در زمین، آئینه‌صفت الهی باشد. در نگاه شیعی، امام معصوم (ع) مصداق کامل این خلافت است.

«خلیفه‌الله»، تصویر انسان کامل

مفهوم «خلیفه» از آیه مشهور «إني جاعل فی الارض خلیفه» ریشه می‌گیرد؛ آیه‌ای که از آغاز خلقت انسان، ائمه باندی را پیش چشم او می‌گذارد. خلیفه، جانشین و نماینده است؛ کسی که باید در زمین، آئینه‌صفت الهی باشد. در نگاه شیعی، امام معصوم (ع) مصداق کامل این خلافت است.